

بررسی ریشه‌های تاریخی اهانت غربیان به پیامبر ﷺ

سید علاءالدین شاهرخی



گروه پژوهشی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

مشاهده‌ی اقسام توهین‌های ناروا و تنفر برانگیز به ساخت پیامبر اعظم ﷺ از جانب کسانی که مدعی پیشگامی در حقوق انسانی و آزادی فکر هستند، این سؤال اساسی را در ذهن هر فرد ایجاد می‌کند که انگیزه و هدف آنان از این اقدام غیرانسانی چیست. پیشینه‌ی تاریخی این موضوع در بردارنده‌ی حقایقی تلخ است. ظهور دین اسلام در مرزهای مسیحیت همراه با طرح ارزش‌های پایدار الهی، همچون عدالت و کرامت انسانی در کنار پویایی و بهره‌مندی از تفکرات عقلانی دینی، صاحبان ثروت و قدرت را در جهان مسیحیت، که به سبب تحریفات و اختلافات فرقه‌ای دچار تزلزل شده بودند، به چالش کشاند.

آنان با توجه به ضعف فکری و عدم امکان طرح اندیشه‌های برتر به ایراد تهمت و ناسزا به دین اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداختند و در این راه به هر حربه‌ای متوسل شدند.

واژگان کلیدی: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، اسلام، غربیان، حقایق تاریخی، تهمت.

مقدمه

توهین و اهانت به هر انسانی معمولاً از طرف عقلا و حتی عامه‌ی مردم امری ناپسند و مذموم است. چنان چه به مقدسات و اشخاصی که مورد احترام بخش‌هایی از مردم هستند اهانتی انجام گیرد، این قباحت مضاعف می‌گردد. علیرغم برخی شعارها در عرصه‌ی آزادی افکار و اندیشه‌ها و ادعای لزوم رعایت حقوق همگان در عصر کنونی، مدتی است به طور مکرر و به اشکال مختلف، انواع تهمت‌ها در مورد آخرین فرستاده‌ی وحی و پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله انجام می‌پذیرد. سیل گسترده‌ی موج تهمت‌های ناروا علیه اسلام و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از جانب عوامل و دست اندرکاران کشورهای غربی در سال‌های اخیر به اوج خود رسیده است.

متأسفانه در برابر این تهاجم همه جانبه و ناعادلانه، عملاً توجهی از جانب افراد صاحب نظر و اندیشمند انجام نشده است. بیم آن می‌رود به تدریج به امری عادی تبدیل گردد، لذا ضرورت دارد به منظور آگاهی عمومی مردم، به ویژه نسل جوان، این موضوع از ابعاد مختلف مورد کنکاش قرار گیرد. یکی از ضروری‌ترین ابعاد آن تبیین سابقه‌ی تاریخی تهاجم همه جانبه‌ی برخی محافل غرب به اسلام است. نگارنده در این راستا می‌کوشد بر پایه‌ی یک روش تحلیلی - تاریخی ریشه‌ها و سابقه‌ی رویارویی غرب با اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد بحث قرار دهد.

مسأله‌ی اساسی در این پژوهش آن است که آیا در ابتدا چهره‌ی واقعی پیامبر اسلام ﷺ در غرب معرفی گردید، یا مبنای نادرستی برای معرفی دین اسلام و پیامبرش به کار گرفته شد. همچنین به دیگر مسائل مرتبط نیز پرداخته خواهد شد از جمله انگیزه‌های غربیان در دشمنی با پیامبر اسلام ﷺ، نقش برخی از صاحب‌نظران و مبلغان مسیحی در این راستا و سرانجام دست آویزهای اساسی آن در تبلیغات علیه پیامبر اسلام ﷺ.

توهین، ضعف منطقی یا بی‌منطقی

رشد سریع و قابل توجه برخی کشورهای غربی پس از رنسانس و به دنبال آن انقلاب صنعتی در این کشورها موجب گردید تا در تقسیم‌بندی، کشورهای جهان معاصر به توسعه یافته و در برابر آن توسعه نیافته تقسیم گردند. کشورهای توسعه یافته، که معمولاً به عنوان کشورهای الگو و پیشتاز در عرصه‌های مختلف قلمداد می‌شدند، بعضاً به طرح مفاهیم و روش‌های جدیدی پرداختند. مطرح شدن آزادی عقیده و فکر، حقوق بشر، احترام به عقاید دیگران و موارد متعدد دیگر از این قبیل است.

این که آنچه در قالب دستاوردهای علوم مختلف در غرب شکل گرفت آیا نتیجه تلاش‌های همان ملل بود یا سایر اقوام و ملت‌ها نیز در آن نقش داشتند، از حوصله‌ی این مختصر خارج است، اما به واسطه‌ی ارتباط موضوعی به اختصار با استناد به نظریات برخی اندیشمندان غربی به آن اشاره می‌نمایم.

به نظر هاسکینز نیرومندترین تکاپوهای علمی و فلسفی آغازین روزگار سده‌های میانه، چه در زمینه‌های پزشکی و دانش ریاضی و چه در رشته‌های اخترشناسی، نجوم و کیمیاگری در سرزمین‌های متعلق به پیامبر اسلام وجود داشت (Haskins, 1971, 882).

ویل دورانت نیز در این خصوص می‌گوید: تمدن اسلامی از راه بازرگانی و جنگ‌های صلیبی و ترجمه‌ی صدها کتاب عربی به لاتین و مسافرت‌های

دانشورانی از قبیل گربرت و مایکل اسکات و ادلارد بائی و غیره به اندلس و نیز از طرف جوانان مسیحی که پدرانشان آنها را برای کسب علم و آداب تمدن به کشورهای اسلامی می فرستادند به اروپا راه یافت (ویل دورانت ۴، ۱۳۴۳، ۱۲۳۳).

در این خصوص گفته‌ها و نوشته‌های بسیاری نقل شده است اما تردیدی وجود ندارد که پایه‌ها و ستون‌های اساسی تحولات علمی و فرهنگی مغرب زمین خلق الساعه ایجاد نگردیده، بلکه بخش‌هایی از آن میراث مسلمانانی بود که خود آن را از خرمن معرفت الهی کسب کرده بودند.

آنچه اخیراً در برخی محافل غربی مورد توجه قرار گرفته است توهین و تمسخر مقدسات مسلمانان است و این موضوع در قالب کتاب، مقاله، کاریکاتور، فیلم و موارد دیگر تجلی می‌یابد. اعتراضات گسترده‌ی مسلمانان نیز با پاسخ آزادی بیان و عقیده عملاً بی‌جواب می‌ماند. این در حالی است که کوچک‌ترین اظهار نظر در خصوص نقد منصفانه‌ی علمی و تاریخی هولوکاست و یا دیگر مسایل مربوط به صهیونیسم، به شدت سرکوب می‌شود! به راستی منطق اهانت کنندگان به مقدسات بیش از یک میلیارد مسلمان چیست؟ بدیهی است این محافل چنان چه از کوچک‌ترین دلایل عقلی و منطقی در دشمنی خود با اسلام برخوردار بودند، همان‌ها را در ابعاد گسترده‌تر مطرح نموده و نیازی به دروغ‌پردازی و تمسخر نداشتند. با این حال چرا اصرار بر این اقدامات غیر منطقی دارند؟ از طرف دیگر سکوت رضایت‌مندانه‌ی دولت‌ها و محافل روشنفکری غرب و بی‌تفاوتی بسیاری از مسلمانان چه معنایی دارد؟ به منظور دست‌یابی به شناختی نسبی در این خصوص، مهم‌ترین محورهای اقدامات غریبان علیه اسلام بیان می‌گردد.

الف - ارائه‌ی چهره‌ی مخدوش از اسلام و پیامبر اعظم ﷺ

قاعده بر این است که در مورد هر شخصیت تاریخی به منظور خودداری از

هرگونه پیش داوری و همچنین جلوگیری از گرفتار شدن در افراط و یا تفریط و یا حب و بغض‌های رایج، با نگاهی دقیق از طریق منابع مطمئن و قابل اعتماد تحقیق شود. بر این اساس مراجعه به قرآن و سنت به دور از روایت‌های ضعیف و یا جعلی می‌تواند حقایق را در مورد رسالت حضرت محمد ﷺ بر همگان آشکار نماید.

در قرآن مجید، رسالت پیامبران الهی پیشین ﷺ تأیید می‌شود؛ برخی از آیات به بیان سرگذشت آنان پرداخته و دشمنانشان به عذاب الهی تهدید می‌شوند. در مورد دین مسیحیت و حضرت عیسی ﷺ نیز روایات متعددی وجود دارد. حتی در قرآن سوره‌ای به نام مادرش مریم ﷺ نام گذاری شده است. با این وجود، تحریفات و کج فهمی‌های به عمل آمده در این نقد مورد عمل قرار گرفته و مردود اعلام می‌گردد. از جمله چنین آمده است: در حق عیسی بن مریم چنین نشاید گفت که او رسول خداست و کلمه‌ی الهی و روحی از عالم الوهیت است که به مریم فرستاده. پس به خدا و همه فرستادگانش ایمان آرید و تثلیث قائل نشوید. از این گفتار شرک بازایستید بهتر است که جز خدای یکتا خدایی نیست. خدا منزله و برتر از آن است که او را فرزندی باشد. هر چه در آسمان و زمین است همه ملک اوست و خدا به نگهبانی همه موجودات کافی است (نساء، ۱۷۱).

در واقع خواه در مورد پیامبر اسلام ﷺ و سایر پیامبران الهی ﷺ محوریت توحید به همراه طرح ارزش‌های الهی و فضائل اخلاقی مورد توجه واقع می‌شود. متأسفانه با وجود صراحت قرآن در طرح ارزش‌های الهی و فضائل اخلاقی و نفی هرگونه پستی و رذالت، همه‌ی این موارد توسط محافل مغرض فراموش می‌شود. با کمال ناباوری تمامی خصوصیات ممتاز و بی‌نظیر وی که موجب جذب و اصلاح مردم جاهل آن عصر گردید، بلکه در طول صدها سال بعد همواره منبع مؤثر و امید بخشی برای اصلاح صدها میلیون مسلمان بوده است، مورد غفلت قرار می‌گیرد. بررسی سوابق شناخت و معرفی اسلام توسط عوامل و

دست اندرکاران در غرب روشن می‌سازد که چگونه برخی اقدامات در نهایت موجب سوء برداشت‌ها و کج فهمی‌ها گردید. ریکولدو مبلغی مسیحی است که در قرن نوزدهم تألیفات متعددی دارد. وی در کتاب مجادله علیه مسلمانان و قرآن تصور قرون وسطی را از اسلام چنین می‌داند:

- ۱) اسلام دینی است که دروغ و حقیقت در آن عملاً تغییر شکل یافته؛
- ۲) اسلام دین خشونت و شمشیر است؛
- ۳) اسلام دین خودکامی است؛
- ۴) محمد ﷺ با عیسی مخالف و دشمن است (عزتی، بی‌تا، ۱۶۳).

این نوع برداشت‌ها حتی گاه با بیانی بسیار تند و غیرمسئولانه از زبان تعدادی از تحلیل‌گران و مبلغان غربی تکرار می‌شود. در تاریخ منسوب به اسقف تورین آمده است که در محلی واقع در ساحل اسپانیا مجسمه‌ای از مس وجود دارد که محمد ﷺ ساخته است و مسلمانان آن را سجده می‌کنند (شکیب ارسلان، ۱۳۷۰، ۲۷۸). کار تعصب مسیحیان و نسبت‌های ناروایی که به مسلمانان داده‌اند به جایی رسید که در داستان معروف بازی قدیس نیکولا، مجسمه‌ای از قدیس نامبرده است که او را محمد می‌نامیدند. به تصور این که محمد مجسمه داشته است، آنها علاوه بر این بتخانه محمدیه می‌گفتند (شکیب ارسلان، ۱۳۷۰، ۲۷۹).

بدون تردید چنان چه عوام و یا محققان غربی اطلاعات کافی در مورد اسلام کسب می‌نمودند، به روشنی درمی‌یافتند که اسلام دینی توحیدی بر مدار پرستش خداوند متعال و نفی پرستش دیگر الهه‌ها و معبودهاست. در زمان رسالت رسول گرامی اسلام ﷺ به سبب این که مردم شبه جزیره عربستان عموماً بت پرست بودند، بیشترین تلاش ایشان در راستای بیداری آنان و منع از عبودیت این اشیا شد. با این حال به علت عدم شناخت لازم و یا وجود برخی کینه‌ها، ایشان خود متهم به داشتن مجسمه می‌شود!

سر دنیس راس، خاورشناس انگلیسی، اظهار می‌دارد که طی چندین سده، اطلاعاتی که اکثریت اروپائیان در مورد اسلام داشتند، به طور کلی بر مبنای

گزارش‌ها و روایت‌های تحریف‌شده‌ی مسیحیان متعصب بود. این موضوع در نهایت سبب رواج مجموعه‌ای از تهمت‌های ناروا و به دور از واقعیت علیه پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان گردید. تا آنجا که نویسندگان غربی، مسلمانان را کافر، شرور، بت پرست، جهنمی، سگ‌های جهنم، دشمنان خدا، دجال و نابودکننده‌ی صنعت و هنر و امثال این عناوین خطاب می‌کردند (سعیدی، ۱، ۲۸۱).

ب - سوء استفاده از احادیث ضعیف

پس از قرآن کریم یکی از منابع مهم دین اسلام، سنت یا حدیث است که تبیین و تفسیر آیات قرآن را عهده‌دار است. حدیث برگرفته از حدث و حدوث به معنای وقوع و ظهور است (ابراهیم انیس ۱، ۱۳۸۰، ۱۵۹). در تعریف اصطلاحی آن نیز موارد مختلفی بیان شده است، لکن به نظر می‌رسد که واژه‌ی حدیث در درجه‌ی نخست بر کلام منقول از ناحیه‌ی پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام ارتباط پیدا می‌کند و در درجه‌ی بعد به فعل و تقریر آنان نیز قابل انطباق است (معارف، ۱۳۷۷، ۲۵).

علی‌رغم اهمیت احادیث در اسلام، به سبب برخی علل، تعداد زیادی از احادیث ضعیف و جعلی نیز در میان مسلمانان انتشار یافت. از جمله با مسلمان شدن برخی اهل کتاب، از یهود و نصاری، روایت‌های عهد عتیق و جدید و کتاب‌های آنان به صورت‌های گوناگون وارد عرصه‌ی فرهنگی جامعه‌ی اسلامی گردید. از طرف دیگر برخی از صحابه و تابعین با اهداف مختلف به بیان گفته‌ها و یا کارهایی از پیامبر اسلام ﷺ پرداختند که هیچ‌گونه وجود تاریخی و یا سندیتی نداشت. البته ممنوعیت قریب به یک قرن از نقل و تدوین حدیث، که توسط برخی خلفا، پس از رحلت پیامبر ﷺ انجام پذیرفت نیز در این موضوع مزید بر علت گردید.

این قضیه اختصاص به پیامبر اسلام ﷺ ندارد و در مورد سایرین نیز، حتی در ابعاد گسترده‌تری به وقوع پیوسته است. معمولاً برای هر فرد منصف و بی‌طرف، نهایت تلاش، دست‌یابی به منابع موثق جهت در امان ماندن از هرگونه

دروغ‌پردازی و تحریف است، اما هنگامی که مبارزه به هر شکل و دشمنی، محور اصلی قرار گیرد بدیهی است این جعلیات بدون تحقیق پذیرفته شده و جهت اهداف مغرضانه مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

نویسندگان بیزانسی سده‌های هشتم تا سیزدهم میلادی در تحریرات خود نه تنها اسلام را به عنوان یک بدعت مسیحی به تصویر کشیده‌اند، بلکه آن را به شکل یک مذهب غیرصادق و متمایل به بت پرستی ترسیم کرده‌اند. آنها سعی فراوان نموده‌اند تا به هر وسیله، از جمله با سوء استفاده از احادیث ضعیف و جعلی، ضعف‌های اخلاقی برای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برشمارند. البته این روند در سایر موضوعات نیز عملاً می‌شود. تفوفاس در تاریخ عمومی خود شرح می‌دهد که پس از نخستین ظهور جبرئیل، خدیجه با هیجان زیادی به سرجیوس، یک راهب بدعت جوی عزلت نشین مراجعه کرد و او خدیجه را آرام نمود که در این جا از یک حدیث ضعیفی استفاده کرده است و داستان ورقه بن نوفل و بحیرا را با هم مخلوط و مشتبه ساخته است (به نقل از: ثواقب، ۱۳۷۹، ۱۵۵).

ج - مبارزه‌ی فرهنگی

فرهنگ واژه‌ای است که تعریف بسیاری از آن ارائه شده است. از جمله این تعاریف ارائه‌ی فرهنگ به مثابه حیات بشری است. استاد محمد تقی جعفری در تعریف این واژه، ابتدا به نمودها و فعالیت‌هایی از حوزه‌ی زندگی انسانی توجه نموده است. براساس نظر وی فرهنگ از مختصات انسان است و او آن را از شرایط محیطی، پدیده‌های تاریخی، آرمان‌های مطلق و نسبی برداشت می‌نماید و به اصطلاح تابعی از جهان بینی خویش می‌نماید (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۱، ۱۰).

امام خمینی رحمته الله علیه در این خصوص می‌گوید:

بی‌شک، بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد (امام خمینی ۱۵، ۱۳۶۱، ۱۶۰).

با این حال برخی پژوهشگران مادی بر این باورند که ادیان الهی در رشد فرهنگی ملل نقشی نداشته‌اند، اما شواهد تاریخی گویای فرهنگ ساز بودن دعوت انبیای الهی ﷺ می‌باشد. در این میان اسلام جایگاه ممتازی دارد. به گواهی تاریخ، اسلام در عصری ظهور کرد که جهان در تاریکی و گمراهی قرار داشت. اسلام با برنامه‌های انقلابی و فرهنگ سازنده‌ی خود شالوده‌ی فرهنگ و تمدن گسترده‌ای را بنا گذاشت که نصف بیشتر کره‌ی زمین در آن زمان را شامل می‌شد، به گونه‌ای که طی کردن طول و عرض کشور پهناور اسلامی در آن روزگار نیاز به هشت ماه پیاده‌روی داشت (قربانی، ۱۳۷۸، ۶).

تمدن عظیم اسلامی از حرکت جاری و پرتلاطم اسلام از هسته‌های انسانی شکل گرفت و توانست الگوی خاصی از انسان را ارائه دهد که پیام آور تحول و نوگرایی منطقی در چارچوب مکتب الهی باشد. در چنین شرایطی برخی از غربیان به منظور نجات از این تهدید و جبران احساس حقارت، مقابله‌ی فرهنگی با اسلام را برگزیدند. برای موفقیت در این مبارزه پاپ‌ها و کشیشان، به ویژه، فعالیت چشم‌گیری نمودند. آنها از یک سو بیشترین ناراحتی را از حضور اسلام در اروپا احساس می‌کردند و از سوی دیگر در آن زمان بر مردم بسیار نفوذ داشتند.

محوریت این مبارزه‌ی فرهنگی به بند کشیدن و اداره‌ی فکر و اندیشه‌ی مردم مغرب زمین بود، به گونه‌ای که هرگز امکان آشنایی با اسلام واقعی را نیابند. اصحاب کلیسا با معرفی بد، غلط و زشت از اسلام، قلب حقایق اسلامی، وارونه کردن آن، وارد ساختن نسبت‌های ناروا و تهمت‌های گوناگون به اسلام، سعی نمودند مردم مسیحی را نسبت به این دین الهی بدبین ساخته و آنها را بر همان باورهای مسیحی نگه دارند تا بلکه از نفوذ اسلام در میان آنها جلوگیری کنند.

درباره‌ی قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان از همین شگردها استفاده کردند؛ یعنی ارائه‌ی تصویری ناموزون و غیرواقعی از قرآن، تحریف آیات و ترجمه‌های غلط و مغرضانه و پراکنده نمودن این اکاذیب در میان مردم برای

موهوم جلوه داده ساختگی وانمود کردن قرآن در اذهان مردم مسیحی (ثواب، ۱۳۷۹، ۱۴۹).

نقش برخی از یهودیان در تحریک و توطئه علیه اسلام

حضور یهودیان در هنگام رسالت حضرت محمد ﷺ در مدینه موجب شده است تا اطلاعات جامعی از چگونگی عملکرد آنان نسبت به پیامبر اعظم ﷺ و اسلام موجود باشد. آنها همچون مسیحیان، که از طریق انجیل بشارت پیامبر موعود را می‌دانستند، از این واقعه از طریق تورات آگاه یافته بودند و هرگاه با اعراب یثرب (مدینه) نزاع می‌کردند با تهدید به آنان می‌گفتند به زودی پیامبر جدیدی ظهور خواهد کرد و ما به او ایمان می‌آوریم و به کمک وی از شما انتقام گرفته، شما را همچون قوم عاد و ارم از بین خواهیم برد (ابن هشام ۴، ۱۳۵۶، ۱۶۲).

پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، یهودیان و در رأس آنان علمای یهود، ابتدا بنای ناسازگاری و به تدریج انجام توطئه علیه اسلام را در پیش گرفتند. آنان در این راستا به هر اقدامی دست زدند. به تعبیر قرآن یهود با مشرکان از سرسخت‌ترین دشمنان اهل ایمان شدند (مائده، ۸۲).

صدها سال بعد در دوران حاکمیت مغولان، یهودیان برای مدتی در دستگاه آنان صاحب نفوذ شدند و دست یابی سعد الدوله یهودی به عنوان صاحب دیوان ممالک در پادشاهی ارغون، اوج این قضیه بود. وی تلاش نمود تا ایلخانان مغول دعوی جانشینی چنگیز خان و پیغمبری نمایند. وزیر حتی از این حد فراتر رفته برای تبدیل کعبه به بتخانه، نامه‌هایی به اعراب و یهود نوشت و شروع به آماده کردن سپاه ارغون برای فتح مکه کرد و دستور به ساختن کشتی‌هایی در بغداد داد (خواند میر ۳، ۱۳۳۳، ۱۳۱). کشتار برخی روحانیون و مسلمانان نیز به تشویق یهودیان انجام پذیرفت، با این حال آنان در نهایت راه به جایی نبردند و بسیاری از نقشه‌هایشان ناکام ماند. در سال ۶۹۰ هـ ارغون توسط بزرگان ایرانی به قتل

رسید و عکس‌العمل شدیدی نسبت به یهودیان انجام گرفت (اقبال، ۱۳۶۵، ۲۴۲).

بررسی انگیزه‌های غرب از اهانت به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اسلام هراسی، اساس و سرچشمه‌ی همه‌ی سیاست‌های سازمان یافته است که برای سرکوب کردن مسلمانان جریان دارد. مترادف قرار دادن تروریسم و اسلام به این منظور است که چهره‌ی اسلام در نظر خیل مشتاقانش مخدوش جلوه کند. آنچه اکنون در غرب رواج دارد و در قالب نشرکتب، کاریکاتور، مقالات و سایر روش‌ها علیه اسلام ملاحظه می‌شود از ریشه‌های تاریخی برخوردار است. بزرگ‌نمایی برخی سازمان‌ها، گروه‌ها یا افراط‌گرایی و تروریسم بهانه‌ای برای برخی مقاصد شوم پنهانی است که با انگیزه‌های خاصی انجام می‌پذیرد. در ادامه برخی از این انگیزه‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

الف - انگیزه‌های سیاسی

از نظر سیاست‌مداران و صاحبان قدرت در جهان مسیحیت، حضور همسایگانی که دارای حکومتی مقتدر بوده‌اند خطری بالقوه به حساب می‌آمده است. در صورتی که آنان بر کیش دیگری بودند این تهدید افزایش یافته و امری غیرقابل قبول بود. دین اسلام پس از شکست مقاومت‌های مشرکان و یهودیان و حاکمیت یافتن بر جزیره‌العرب، به تدریج، به سرزمین‌های مسیحی نشین نیز نفوذ کرد. در این شرایط ترس از دست رفتن جهان مسیحیت و مرزهای سیاسی آن کاملاً به چشم می‌آمد. برخی از صاحب‌نظران غربی بر این مطلب تأکید کرده‌اند و تنفر خود را بیان نموده‌اند. سخن ذیل از این قبیل است:

مسیحی با صداقتی در عصر اعتقاد می‌توانست با یک بی‌طرفی همراه با خونسردی به مردی مانند پیامبر صلی الله علیه و آله بنگرد که مذهبش به دیده‌ی وی کاریکاتوری کفرآمیز از مذهب خود او بوده و پیروانش [از همان قرن ۱ هـ / ۷ م که سوریه را از دولت بیزانس گرفتند] مسیحی‌گری را در زادگاه و

مرکز رشد آغازینش از بین برده بودند (14, 1954, saunders).

کارل بکر مستشرق آلمانی نیز بر این موضوع تأکید نموده و می‌گوید دشمنی از زمانی به وجود آمد که اسلام پدید آمد و سپس گسترش یافت و سد محکمی در برابر مسیحیت ایجاد کرد و به تدریج به سرزمین‌های مسیحی نشین سرایت کرد (نظری، ۱۳۷۱، ۴۸). از پایان سده‌ی هفتم تا میانه‌های سده‌ی پانزدهم میلادی، اسلام در چهره‌های گوناگون عربی‌گری، عثمانی‌گری، یا شمال آفریقایی یا اسپانیایی خود بر اروپای مسیحی چیره بود و همواره آن را مورد تهدید قرار داد. در طول این سده‌های متمادی، تنها نیروی اسلام بود که اروپا را در زمینه‌های سیاسی، فکری و اقتصادی به شیوه‌ای جدید تهدید می‌کرد (حائری، ۱۳۶۱، ۵۲). در نامه‌ای که به سال ۷۱۱ هـ / ۱۳۱۱ م نوشته شده شمار مسلمانان غرناطه دویست هزار نفر برآورد شده است که همگی به جز پانصد نفر، مسیحی زادگان نو مسلمان بودند (ویل دورانت ۲، ۱۳۴۳، ۲۴۸).

در چنین وضعیتی که نه تنها تشکیلات سیاسی، بلکه حفظ موقعیت مناطق مسیحی به خطر افتاده بود، به منظور حفظ انسجام داخلی و جلوگیری از نفوذ بیشتر مسلمانان اهانت به مقدسات، خصوصاً پیامبر اسلام ﷺ در دستور کار قرار گرفت. یولیوس رچتر با تأکید بر این که این دشمنی بر مبنایی سیاسی شکل گرفته است، مسیحیان را سرزنش می‌کند که در عصر ظهور اسلام بی‌خبر نشستند تا این که امپراتوری بیزنطیه (روم شرقی) به تدریج در امپراتوری اسلام محو گردید. تا این که قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ به دست ترک‌های عثمانی سقوط کرد و تحت اختیار امپراتوری اسلام درآمد (خالدی، ۲۵).

ب - محو شدن گسترش مسیحیت

مسیحیت که در طول قرن‌ها در مناطق تحت نفوذ خود، از جمله در خاورمیانه مانعی جدی در برابر خود نمی‌دید، با ظهور اسلام در برخی مناطق از جمله در خاورمیانه به یک اقلیت محدود تبدیل گردید. هشت جنگ صلیبی در مدت دو

قرن برای تسخیر سرزمین‌های اسلامی به راه افتاد. اما سرانجام در سال ۱۱۸۷ م بیت‌المقدس و فلسطین توسط صلاح‌الدین ایوبی از اشغال صلیبیون اروپایی آزاد گردید. در سال ۱۴۵۳ م ترکان عثمانی شهر قسطنطنیه، مرکز کلیسای روم شرقی و مسیحیت ارتدوکس را فتح نمودند و مناطق وسیعی در اروپای شرقی در قلمرو ترکان عثمانی قرار گرفت.

پس از آغاز جنبش رنسانس Renaissance در اروپا، با این که مبارزه با اروپا به عنوان هدفی اساسی در جوامع سکولار شده غرب مورد توجه قرار گرفت اما باز هم واهمه‌ی گسترش اسلام در جوامع مسیحی به نحو چشم‌گیری وجود داشت.

دانکن بلاک مک دونالد (۱۴۹۳ م)، مسیونر مسیحی متولد اسکاتلند، که در آمریکا زندگی نمود، با علاقه‌ی خاصی مبارزه با اسلام را طرح کرده و می‌گوید: اسلام با نفوذ و هجوم تمدن غرب به زودی متلاشی خواهد شد و مسیونرهای مسیحی وظیفه دارند که مسلمانان جهان را مسیحی نمایند (macdonald, 1911, 12).

این نویسنده با نگرانی خاصی که از محدود شدن دین مسیحیت حکایت دارد برای نجات از این تنگنا با ملاحظه‌ی بی‌نتیجه بودن سیل اتهامات و توهین‌ها به پیامبر اسلام ﷺ چنین پیشنهاد می‌کند: به اسلام و محمد ﷺ مستقیماً حمله نکنید، فقط بگذارید که ایده‌های جدید، اساس اسلام را نابود کند (macdonald, 1911, 13). بدین سان در هر شرایطی حمله به پیامبر اکرم ﷺ از جانب برخی سردمداران مسیحیت استمرار یافت. این نکته از جانب سایر صاحب‌نظران غربی مورد تأیید قرار گرفته است. برنارد لوئیس اسلام شناس غربی می‌گوید:

جهان مسیحیت، از قرون وسطی تاکنون، مطالعات درباره‌ی اسلام را با دو هدف دفاع از مسیحیت در مقابل مباحث مسلمانان علیه مسیحیت و مسیحی نمودن جهان انجام داده است. دانشمندان مسیحی که اغلب آنها را مسیونرهای مسیحی تشکیل می‌دهند مجموعه کتاب‌هایی را در مورد

اعتقادات مسلمانان و پیامبر آنان تألیف کرده‌اند که فقط هدف مناظره دارد و لحن آنها همراه با ناسزاگویی است (Lewis, 1994, 85).

ج - عصبیت

عصبیت در لغت به معنی شدت ارتباط و تعلق شخص به قوم و جماعت یا مرام و مسلک خود و تعصب و کوشش در حفظ و حمایت آن (عمید، ۱۴۳۹، ۲) می‌باشد. در آموزش‌های آغازین منسوب به حواریون مسیح، عناصری از سعه‌ی صدر و آزادی‌گرایی ملاحظه می‌شود. در برخی از رساله‌های دینی، که به پیروان و شاگردان مسیح منسوب است، چنین آمده است: ما همه یهودی و یونانی و بنده و آزاد به وسیله‌ی یک روح تعمیم یافته‌ایم تا همه فقط یک پیکر تشکیل دهیم (مبانی مسیحیت، ۱۳۶۶، ۱۴۰).

به تدریج و با گذشت زمان به خصوص پس از آن که به فرمان امپراطور کنستانتین دین مسیحیت در روم رسمیت یافت، صاحبان قدرت و ثروت بیش از گذشته به تحریف دین در دایره‌ی عصبیت قومی و دینی خود پرداختند. از این رو حتی بردگی پیروان سایر مذاهب و یا دیگر ملل رسمیت یافت. بدین سان هزاران تن از مردم اسلام و مسلمانان را به عنوان برده در پرستشگاه‌ها به کارگماشتند.

با توجه به این که سخنان منسوب به حضرت مسیح علیه السلام در مجموعه‌های مختلف و گاه متضادی جمع آوری شد، لذا انواع گوناگونی از گفتارها و اندیشه‌های دیگران در آن راه یافت. براین اساس برخوردهای سخت قوانین پیشین، به ویژه آیات عهد عتیق، در آن دیده می‌شد، به عنوان مثال در انجیل متی، کسانی که به دین مسیح نگرویده‌اند دشمن قلمداد می‌شوند. چنان چه می‌گوید: هر که با من نیست علیه من است و هر که با من جمع نکند پراکنده سازد (انجیل متی، باب ۱۲، آیه ۳۰، ص ۱۹). در انجیل یوحنا اطاعت نکردن از دستورات با عواقب سختی همچون سوختن و تباه شدن مواجه می‌شود. در این کتاب به نقل از مسیح علیه السلام چنین آمده است: من تاک هستم و شما شاخه‌ها ... اگر

کسی در من نماند مثل شاخه بیرون انداخته می‌شود و می‌خشکد و آنها را جمع کرده در آتش می‌اندازند و سوخته می‌شود (عهد جدید، ۱۷۴). شکی نیست این افکار و ایده‌ها در قرون بعد به اشکال مختلف استمرار یافت. در بسیاری از موارد این عصبیت، که توجیه اعتقادی یافته بود، برای حاکمان و قدرت‌طلبان به بهانه‌ای جهت انجام بسیاری از جنایات و ستم‌ها علیه ملل غیرمسیحی تبدیل گردید. براساس این تنگ‌نظری، کشتارهای بسیاری انجام پذیرفت. پس از زوال قدرت کلیسا در جهان غرب و رواج مکاتب مختلف مادی‌گرایی، این عصبیت در اشکال دیگری بروز یافت. چنان‌که در سال‌های اخیر اوج حملات مغرضانه به پیامبر اسلام ﷺ شکل گرفت و حتی برخی سردمداران سیاسی آنها دم از جنگ‌های صلیبی زدند.

مسئولیت دشوار مسلمانان و آزادگان

تأمل و تدبری مختصر در اقدامات و فعالیت‌های بخش قابل توجهی از دنیای غرب بر علیه پیامبر اسلام ﷺ، که ریشه‌های تاریخی آن تا حدودی در این پژوهش مورد ارزیابی واقع گردید، موجب می‌شود تا هر مسلمانی و حتی غیرمسلمان آزاده بر دوش خود مسئولیتی بسیار مهم و سنگین احساس نماید. در صورت انجام فعالیت‌های آگاهی‌بخش برخی از مردم غرب، خود در این حرکت گسترده‌ی فرهنگی پیشگام خواهند شد. پژوهشگران باید به همگان و خصوصاً به جهان غرب، ریشه‌های عناد و کج‌فهمی اسلام و پیامبرش را شناسانند. آنها باید بدانند قرن‌های متمادی برخی دست‌های پنهان و آشکار، به طور عمد، تلاش نمودند تا بر پایه‌ی اندیشه‌های آلوده‌ی خویش چهره‌ای بسیار متفاوت با سیمای واقعی پیامبر ﷺ ارائه دهند. این امر همواره برای آنان نوید بخش جلوگیری از گسترش اسلام بوده است.

بدیهی است آشنایی با ابعاد مختلف شخصیت پیامبر اعظم ﷺ در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موجب موج‌هایی عظیم و

غیرقابل مهار از ارادت مردم و به خصوص جوانان به اسلام می‌گردید. بدین سان کسانی که از خشونت و جنگ‌طلبی آخرین فرستاده‌ی الهی دم زدند، خود توجیه‌گر بزرگ‌ترین جنایات و فجایع در تاریخ بشریت و از جمله علیه مسلمانان بوده‌اند. آنها در حالی سخن از فاشیسم اسلامی به میان آورده و یا می‌آورند که در طول قرن‌های گذشته با وجود ارتکاب این جنایات، مسلمانان در سرزمین‌های خود همواره مسیحیان و سایر اهل کتاب را تحت حمایت قرار داده‌اند. باشد که سرانجام وجدان غرب بیدار شود.

نتیجه‌گیری

یکی از حقوق جوامع بشری، نوع اندیشه، تفکر و یا اعتقادات مذهبی آنان می‌باشد که طبعاً انسان‌ها باید از توهین و بی‌احترامی به عقاید و مذاهب دیگران خودداری نمایند. این مقوله در خصوص دیدگاه‌های هم سو بیشتر نمایان می‌شود. علی‌الاصول پیروان دیگر ادیان الهی باید از حضور دین توحیدی اسلام استقبال می‌نمودند، با این وجود تاریخ‌گویای واقعی بسیار تلخ و ناگوار است. از این رو از آغازین روزهای آشنایی غرب با اسلام، تقابل مسیحیت با اسلام مشاهده می‌شود.

رهبران آئین مسیحیت در مواجهه با اسلام، که به دلیل پویایی و دارا بودن مبانی عمیق فکری از قابلیت و پتانسیل ویژه‌ای در جذب پیروان سایر مذاهب و یا عقاید برخوردار بود، به جای فراهم نمودن فضای گفتمان عادلانه‌ی فکری و اعتقادی از حربه‌ی توهین و ناسزاگویی به مقدسات دین اسلام و در رأس آنها پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله استفاده نمودند.

به بیان دیگر، جاذبه‌ی فوق‌العاده‌ی دین اسلام در کنار پویایی و داشتن مبانی عمیق فکری، مرزهای سیاسی و فکری دنیای مسیحیت را که به سبب تحریفات و جدال‌های فرقه‌ای دچار تزلزل شده بود، در خطر جدی قرار داد.

سرانجام این که قرن‌های متمادی است که متعصبان مغرض، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

را هدف سیل تهمت‌های بی‌شرمانه‌ی خود قرار داده‌اند، اما با این وجود نور تابناک این شخصیت بی‌نظیر در آن سرزمین‌ها نیز می‌تابد و هر روز در درون هزاران مسجد، از جمله در مساجد غرب بروی درود فرستاده می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی (۱۳۶۶)، مبانی مسیحیت، ترجمه‌ی اسدالله مبشری، بابل.
- ۳) ابن هشام، ابومحمد عبدالملک (۱۳۵۳ هـ)، السیرة النبویة، تحقیق محی‌الدین عبدالحمید، قاهره.
- ۴) اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۷۱)، فرهنگ و شبه‌فرهنگ، تهران، یزدان.
- ۵) اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵)، تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، تهران، امیرکبیر.
- ۶) امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱)، صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۷) انیس، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۰)، المعجم الوسیط، ج ۱، تهران، الحورا.
- ۸) ثواقب، جهانبخش (۱۳۷۹)، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، قم، دفتر تبلیغات حوزه‌ی علمیه قم.
- ۹) حائری، عبدالهادی (۱۳۶۷)، نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه بورژوازی تمدن غرب، تهران، امیرکبیر.
- ۱۰) خالدی، مصطفی و عمر فروخ (بی‌تا)، نقش کلیسا در ممالک اسلامی، ترجمه‌ی مصطفی زمانی، قم، پیام اسلام، چاپ سیزدهم.
- ۱۱) خواند میر، غیاث‌الدین (۱۳۳۳)، تاریخ حبیب‌السیر، ج ۳، تهران، کتابخانه خیام.

۱۲) دورانت، ویل (۱۳۴۳)، تاریخ تمدن، ج ۲ و ۴، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، اقبال و فرانکلین.

۱۳) سعیدی، غلامرضا (بی‌تا)، خاورشناسی و خاورشناسان، محمد خاتم پیامبران، ج ۱، تهران، حسینیه ارشاد.

۱۴) شکیب ارسلان (۱۳۷۰)، تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.

۱۵) عزتی، ابوالفضل (بی‌تا)، نفوذ اسلام در اروپا در قرون وسطی، قم، دارالتبلیغ.

۱۶) عمید، حسن (۱۳۷۷)، فرهنگ عمید، ج ۲، تهران، امیرکبیر.

۱۷) قربانی، زین العابدین (۱۳۷۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۸) معارف، مجید (۱۳۷۷)، تاریخ عمومی حدیث، تهران، کویر.

۱۹) نظری، مرتضی (۱۳۷۱)، بررسی شیوه‌های تبلیغاتی مسیحیت علیه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

20) Durant, will (1957), the story of civilization, new york.

21) Haskins, charls homer (1971), the Renaissance of the Twelfth century, (vol. 3), U.S.A., Mass.

22) Lewis, Bernard (1994), Islam and the west, oxford, oxford university press.

23) Saunders, j.j. (1954), Mohammad in Europe, A note on western Interperations of the life of prophet, History: the journal of the historical Association, new series, xxxix.